



شبه 23 اسفند 1393 - 07:10

تیم هسته‌ای دلسوز است نگران خدعه طرف مقابل هستیم

اعضای مجلس خبرگان رهبری پس از پایان هفدهمین اجلاس مجلس خبرگان(۱) پنجشنبه با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. متن کامل بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در این دیدار به شرح زیر است :

اعضای مجلس خبرگان رهبری پس از پایان هفدهمین اجلاس مجلس خبرگان(۱) پنجشنبه با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. متن کامل بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در این دیدار به شرح زیر است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

والحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین سیما بقیه‌الله فی الارضین.

خوشامد عرض می‌کنم به آقایان محترم. علاوه بر مزایایی که جناب آقای یزدی - رئیس محترم مجلس خبرگان - بیان فرمودند، (۲) یک مزیت دیگری هم وجود دارد که آن مخصوص بنده است و آن اینکه ما در این اجلاس‌ها، برادران عزیز و آقایان محترم را از نزدیک زیارت می‌کنم؛ این هم برای ما یک فرصتی است و از خداوند متعال می‌خواهیم که شما را - همه آقایان را، دوستان را - موفق بدارد که این وظایف سنگینی که بر عهده همه ما است، ان‌شاءالله به بهترین وجهی انجام بگیرد.

انتخاب مناسب و بجای آیت‌الله یزدی

من اولاً تبریک عرض می‌کنم به جناب آقای یزدی به‌خاطر احراز مسئولیت ریاست این جلسه. خب، شخصیت ایشان، سوابق ایشان، لواحق ایشان، همه اینها چیزهایی است که این انتخاب را انتخاب مناسب و بجایی نشان می‌دهد. ان‌شاءالله که ایشان از لحاظ مزاجی و آمادگی‌های گوناگون، خداوند کمکشان کند و بتوانند به وظایفشان عمل کنند. یاد مرحوم آقای مهدوی(۳) (رضوان الله علیه) را هم گرامی می‌داریم. ایشان شخصیت برجسته‌ای بودند و حقیقتاً وجود مرحوم آقای مهدوی در دوران طولانی بعد از پیروزی انقلاب - علاوه بر مجاهدتشان قبل از پیروزی - یک وجود اثرگذار و مظهر یک روحانی فعال و عالم عامل بود. امیدواریم که خداوند متعال ایشان را جزای اوفی عنایت کند و از رحمت و مغفرت خودش ایشان را برخوردار کند.

بحمدالله این جلسه اجلاس آقایان که در آن انتخابات داخلی انجام گرفت - آن‌طوری که به من گزارش کردند - اجلاس بسیار متین و در واقع الگو برای دستگاه‌هایی [بود] که این‌جور انتخاباتها را انجام می‌دهند؛ با متانت کامل و بدون این حرفها و چیزهایی که معمولاً در جلسات پارگیری و انتخاباتی پیش می‌آید، بحمدالله کار بزرگی را انجام دادید.

مطالبه ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل

به‌مناسبت اوضاعی که در منطقه ما حاکم است و بلکه اوضاعی که در جهان حاکم است و چالشی که میان جمهوری اسلامی و چند دولت متکبر و مستکبر بر سر قضایای مختلف - چه قضیه هسته‌ای و چه بقیه قضایا - در جریان است و همچنین به‌مناسبت بحثهای اقتصادی‌ای که در داخل کشور هست و تلاشی که مسئولان مختلف هرکدام به‌نحوی برای تحقق مقاصد اسلامی و منافع مردم انجام می‌دهند، و سرانجام به‌مناسبت مسئله اسلام‌هراسی‌ای که امروز یکی از پدیده‌های رایج دنیای استکبار و دنیای غرب است - مجموع این مطالب - به‌نظر رسید که این موضوع را مطرح کنیم که آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌کنیم و درمی‌یابیم، این است که مطالبه اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به‌نحو کامل است؛ مطالبه اسلام، تحقق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس می‌کند.

دین حداقلی از نظر اسلام

قابل قبول نیست

دین حداقلی و اکتفای به حداقلها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به‌عنوان دین حداقلی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون(۴) بعضی، مذمت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (۵) یا آیه شریفه «وَ يَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» (۶) که مربوط به منافقین است، اشاره به

همین است. حتی برخی از بخش‌های دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه قسطیم و اقامه قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقق پیدا کرد؛ نه، این نیست. بلکه مسلماً اقامه قسط در جامعه، یک قلم مهم است. از این آیه شریفه در سوره مبارکه حدید، لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۷) این جور به نظر می‌رسد در بادی (۸) امر، که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه قسط است که حالا این جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هر جور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيُقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ» که مثلاً «باء» را «باء تعدیه» بگیریم، که این وظیفه مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند؛ یا نه، «باء تسبیب» که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»، یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم]؛ هر کدام از این دو معنا یا معانی احتمالی دیگری که وجود دارد، اگر در نظر گرفته بشود - اهمیّت اقامه قسط را در جامعه روشن می‌کند. لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدّس از ما قبول می‌کند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه قسط و همه همت خودمان را بگذاریم برای اینکه اقامه قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی‌توجهی قرار بگیرد؛ نه، آیه شریفه می‌فرماید که «الَّذِينَ إِنْ مَكْتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (۹) یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکین در ارض دارد، اینها است که اولش «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» بعد «وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۱۰) [است]. این جور نیست که اگر ما به قسط توجه می‌کنیم، حق داشته باشیم که از اقامه صلوات و اهمیّت دادن به صلوات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «أَنْ عِبَدُوا اللَّهَ وَاجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ» (۱۱) - که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیّتی که خدای متعال در آن آیه شریفه سوره شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیّه کرده است: أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ؛ (۱۲) آنکه مورد نظر است، اقامه دین است؛ یعنی همه دین را باید اقامه کرد؛ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ؛ (۱۳) یعنی همه دین - همه اجزا و همه ارکان دین - مورد توجه است، و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه دین بتمامه، بجمیع اجزائه، بلکه - عبارتند از قدرهای عالم، مستکبران عالم؛ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ؛ (۱۴) آنچه تو به آن دعوت می‌کنی، برای مشرکین [گران است]؛ یا در آیه شریفه در اوّل سوره مبارکه احزاب؛ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ (۱۵) یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات، و هم حکیم است؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنْ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا * وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيْلًا؛ (۱۶) در مقابله‌ی با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت. بنابراین [قضیه] این است.

در نظام اسلامی باید صورت و سیرت اسلام حفظ شود

نظام اسلامی که ما مدّعی آن هستیم و دنبال آن هستیم - حالا نظام اسلامی به معنای مجموعه ظرفیّت‌هایی است در کشور که حرکت عمومی مردم را و مسئولین را شکل می‌دهد؛ به این می‌گوییم نظام؛ همه ظرفیّت‌هایی که موجب حرکت عمومی مردم و مسئولین می‌شود، مجموع اینها، نظام اسلامی است - وقتی این نظام واقعاً اسلامی است که در آن همه اجزای اسلام محفوظ باشد و صورت و سیرت اسلام در آن حفظ بشود. صورت اسلام، همین حرف‌های ما و اظهارات ما و کارهایی که می‌کنیم و این ظواهر امر است؛ سیرت اسلام، این است که ما یک هدفی را، یک آرمانی را، یک سرمنزلی را در نظر بگیریم و تعریف کنیم و برای رسیدن به آن سرمنزل، برنامه‌ریزی کامل کنیم، و در این راه عمل کنیم، حرکت کنیم، با همه وجود راه بیفتیم؛ آن وقت در آن صورت، سیرت اسلامی هم، هم محفوظ خواهد ماند، هم رو به کمال خواهد رفت؛ یعنی در یک حد هم متوقف نمی‌ماند؛ خب، این برنامه‌ای است که ما برای رسیدن به آن اهداف، به آن احتیاج داریم.

تغییر رفتار با تغییر نظام

هیچ تفاوتی ندارد

آنچه ما امروز در زبان مستکبرین و مخالفین نظام اسلامی و مشخصاً جمهوری اسلامی مشاهده می‌کنیم که با «تغییر رفتار» از آن یاد می‌کنند - گاهی می‌گویند ما تغییر نظام را نمی‌خواهیم، تغییر رفتار را می‌خواهیم - [همین است]. تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛ یعنی تغییر آن سیرت اسلامی؛ این معنای تغییر رفتار است. تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوازم قطعی و حتمی حرکت به آن سرمنزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیاوید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید؛ این معنای تغییر رفتار است؛ یعنی همان چیزی که گاهی از آن در برخی از گفته‌ها و نوشته‌ها تعبیر می‌شود به دین حدّ اقلّی؛ یعنی کاستن از آرمانها که به معنای نابودی سیرت دین است. این دین حدّ اقلّی یعنی در واقع دین را حذف کردن.

حالا در چنین وضعیّت‌ی هدف ما این است و خطّ مشی قطعی ما باید این باشد که دنبال اسلام تمام و کامل باشیم؛ یعنی دنبال این باشیم که واقعاً تا آنجایی که در قدرت ما است تلاش کنیم - حالا خدای متعال بیش از آنچه در توان ما و در قدرت ما است، از ما توقع نمی‌کند - اما تلاش ما این باشد و هدف‌گذاری ما این باشد که همه اسلام - اسلام به کامله، بتمامه - در جامعه ما تحقق پیدا کند. وقتی هدف این شد، فوراً یک مسئله‌ای پیش می‌آید و آن مسئله «اسلام‌هراسی» است که امروز در دنیا رایج است. به نظر من در برابر پدیده اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بلکه، اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند

مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می‌ترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می‌شکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قلدَر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزبه‌روز قوی کردند؛ این، قلدَرهای دنیا را می‌ترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق تا اینجا پیش ببرد.

اسلام‌هراسی نتیجه عکس می‌دهد

و البته علی‌رغم آنها، این حرکت آنها علیه اسلام و تلاش آنها برای اسلام‌هراسی، نتیجه‌ی عکس خواهد داد؛ به این معنا که اسلام را در کانون پرسش جوانها قرار می‌دهد؛ یعنی اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می‌افتند که علت اینکه این‌قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه‌های تلویزیونی وابسته به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می‌گیرد چیست؟ این خود زمینه یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و می‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.

باید اسلام ناب را مطرح کنیم

ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرفدار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. همان جوانی که در اروپا است، یا در آمریکا است، یا در مناطق خیلی دوردست است، از این خصوصیت مبتهج می‌شود، به هیجان می‌آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از نیرویی، انگیزه‌ای، فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت می‌کند، برنامه دارد و این را وظیفه خودش می‌داند. اسلام طرفدار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این‌همه به عقل و فکر و لب (۱۷) و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرفدار عقلانیت و ضدّ قشری‌گری، ضدّ تحجّر، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن - که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند - اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لابی‌گری. بله، امروز دستگاه‌های فراوانی جوانها را به بی‌مبالاتی، به لابی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق می‌دهند. خوب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می‌خواهد و می‌طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می‌رود در گوشه کلیسا، خودش را زندانی می‌کند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین‌جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت می‌کنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه مسجد یا گوشه خانه‌ها فرامی‌خواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفها؛ اسلام جهاد و مبارزه با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به‌عهده همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی ما باید این هدف را دنبال بکنند. اینکه امروز اسلام را آماج حملات خودشان قرار داده‌اند [به‌خاطر این است]؛ آن کسانی هم که آماج قرار داده‌اند، مشخص است چه کسانی هستند و چه دستگاه‌هایی و چه جریان‌هایی هستند؛ مشخص است؛ اینها وابسته به یک مجموعه قدرتمند زر و زور سیاسی و اقتصادی غالباً صهیونیست یهودی، و اگر صهیونیست یهودی هم نیستند صهیونیست غیر یهودی - که امروز در دنیا صهیونیست‌های غیر یهودی داریم - هستند. در مقابل اینها ما از این فرصت استفاده کنیم و این سؤال را مطرح کنیم در ذهن مردم دنیا و در ذهن جوانها که فکر کنید، ببینید چرا به اسلام این‌همه حمله می‌کنند؛ آن‌وقت اسلام واقعی را در اختیار اینها بگذاریم.

به نظر بنده اگر ما مجموعه روحانیون و اهل علم و کسانی که در مسائل دینی کار می‌کنند، در همه مسائل خودمان این را هدف قرار بدهیم یعنی تحقق اسلام بکامله و مقابله با دشمنی‌ها با این شکل، موفقیت‌های زیادی خواهیم داشت.

خودداری از سطحی‌نگری

در چالش‌های جهانی

چالش‌های جهانی هم داریم؛ به نظر من از سطحی‌نگری در چالش‌های جهانی بایستی خودداری کرد. ما امروز با آمریکا چالش داریم، با بعضی از کشورهای اروپایی چالش داریم؛ حالا امروز موضوع چالش به‌طور آشکار و نمایان، مسئله هسته‌ای است؛ مسائل گوناگون دیگر هم هست که مایه چالش بین ما و اینها است؛ نگاه کنیم ببینیم این چالش از چه چیزی ناشی می‌شود؛ یعنی ریشه‌ها را بفهمیم و از سطحی‌نگری پرهیز کنیم.

وابستگی به نفت؛ دلیل آسیب‌ها

و مشکلاتی را هم که متوجه ما می‌شود درست بشکافیم. حالا مثلاً فرض بفرمایید ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب‌هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیب‌ها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه درست موشکافی کند، می‌بیند این آسیب‌ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن می‌دان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینها است. اگر ما نگاه کنیم و عامل اصلی را

بشناسیم و آن عامل اصلی را به نحوی علاج کنیم، تحریم یا بی‌اثر خواهد شد یا کم‌اثر خواهد شد. اینکه دشمن می‌تواند ما را تحریم کند و مثلاً دست روی نفت ما بگذارد و این ما را آزار می‌دهد، به‌خاطر این است که ما نفت را در زندگی خودمان و در اقتصاد خودمان عمده کرده‌ایم؛ اینکه وقتی با دولت برخورد می‌کند، دستگاه‌های گوناگون دولتی مورد تحریم قرار می‌گیرند، به‌خاطر این است که این دستگاه‌ها متعلق به دولتند. ما می‌توانستیم در عرصه‌ی اقتصادی، دستهای گوناگون مردمی را وارد بکنیم. آن اشتباهاتی که کردیم در اوایل انقلاب که همین‌طور اصرار کردیم بر اینکه همه‌چیز بایست متعلق و در اختیار دولت باشد و چیزهای جزئی کوچک زندگی را هم ما سپردیم به دولت، خب نتیجه‌اش همین چیزها است؛ اینها را بایستی علاج کرد.

به نظر ما اگر این‌جور فکر کنیم و این‌جور حرکت بکنیم، مشکلات حل خواهد شد؛ یعنی ما در مشکلات، وابسته به عطف محبت طرف مقابل نخواهیم بود؛ می‌توانیم واقعاً خودمان تأثیر بگذاریم بر فضای چالشی که بین ما و دشمنان ما و مستکبرین وجود دارد؛ از جمله همین مذاکراتی که حالا جاری است. فعلاً مذاکراتی که بر فعالیت‌های دیپلماسی ما و فعالیت‌های سیاست خارجی ما بیشتر سایه افکنده، مذاکرات مربوط به مسائل هسته‌ای است. همین حرف، همین معیار، همین منطق، در این مذاکرات هم به نظر ما کاملاً کارایی دارد.

دشمن اهل حيله‌گری است

من البته همین‌جا این را عرض بکنم: این تیمی و هیئتی که رئیس‌جمهور محترم برای مذاکرات هسته‌ای گذاشته‌اند، مردمان امین و مردمان خوبی هستند. بعضی را ما از نزدیک می‌شناسیم و واقعاً مورد قبولند، بعضی را هم از حرفهایشان و از کارهایشان دورادور می‌شناسیم؛ هم امینند، هم دلسوزند؛ دارند تلاش می‌کنند کار می‌کنند؛ این را ما لازم است که منصفانه بیان کنیم. البته باینکه این دوستان و این برادران برادران خوبی هستند، برادران امینی هستند و می‌دانیم که دارند برای صلاح کشور تلاش می‌کنند، درعین‌حال من نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حيله‌گری است. از جمله چیزهایی که غالباً پنهان می‌ماند از چشمها، حيله‌گری اشخاص یا جهاتی است که دارای ظاهر بزرگ و فرهیخته هستند؛ آدم فکر نمی‌کند که اینها هم حيله‌گر باشند. خب امروز آمریکا ظاهر فرهیخته دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت می‌شود از اینکه همین دستگاه صاحب قدرت، اهل مودعی‌گری‌های آدم‌های ضعیف هم باشد، ولی هست؛ اهل حيله‌گری است، اهل خدعه است، اهل خنجر از پشت زدن است؛ این‌جوری است.

لحن آمریکایی‌ها روز به روز

تندتر و خشن‌تر می‌شود

ما نباید این‌جور تصور بکنیم که حالا اینها چون مثلاً بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین احتیاجی ندارند به اینکه دست به حيله و خدعه بزنند؛ نه، اتفاقاً احتیاج‌شان هم زیاد است و عمل هم می‌کنند و واقعاً خدعه‌گری می‌کنند؛ این ما را نگران می‌کند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم. هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این زمان نزدیک می‌شویم، لحن طرف مقابل - بخصوص لحن آمریکایی‌ها - تندتر، سخت‌تر، خشن‌تر می‌شود؛ این برای این است که جزو شگردهای اینها است، جزو حيله‌ها و خدعه‌های اینها است.

و می‌بینید اظهاراتی هم که می‌کنند، واقعاً اظهارات سخیفی است، اظهارات مضمّن‌کننده‌ای است. مسئولین آمریکایی در همین ایام به‌مناسبت اینکه حالا یک دلک صهیونیست رفته آنجا و حرفهایی زده، (۱۸) برای اینکه خودشان را کنار بکشند مطالبی گفتند، اما ایران را هم متهم کردند که ایران طرفدار تروریسم است. خب این حرف، خنده‌آور است؛ امروز در دنیا همه دارند مشاهده می‌کنند که آن قدرت و آن دولتی که از خبیث‌ترین تروریست‌ها - یعنی از همین داعش و امثال اینها - حمایت کرده است و اینها را به‌وجود آورده و هنوز هم علی‌رغم اینکه به‌ظاهر می‌گوید در مقابل اینها است، دست از حمایت اینها برنمی‌دارد، آمریکا است و هم‌پیمانان آمریکا. کسانی که در منطقه دست به دست آمریکا دارند و پشتیبانی می‌کنند، کمک می‌کنند، همکاری می‌کنند، اینها هستند که طرفدار تروریسم و تروریست‌های جزار (۱۹) خبیث هستند. آمریکا دولتی را که رسماً اعتراف می‌کند به تروریست بودن - یعنی دولت جعلی صهیونیستی - دارد حمایت می‌کند؛ صریحاً حمایت می‌کنند؛ اصلاً حمایت از تروریسم یعنی این. این زشت‌ترین شکل حمایت از تروریسم است که آنها می‌کنند، آن‌وقت درعین‌حال جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به اینکه این طرفدار تروریست است؛ که باید اینها را مورد توجه قرار داد.

فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکا

همین نامه‌ای که این سناتورها نوشتند - که انواع مطالب را واقعاً انسان در این نامه [می‌بیند] - از نشانه‌های فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکا است؛ پیدا است واقعاً اینها دچار فروپاشی‌اند؛ چون همه دولت‌های عالم طبق مقررات شناخته شده و پذیرفته بین‌المللی به تعهدات خودشان پایبندند. بالاخره یک دولتی در یک کشوری سر کار است، یک تعهدی می‌کند، بعد آن دولت می‌رود دولت دیگری می‌آید، آن تعهد به جای خود باقی است؛ نقض تعهد نمی‌کنند. این آقایان سناتور صریحاً برداشتند اعلام کردند که اگر چنانچه این دولت در آمریکا از کار برکنار شد، این قراردادی که با شما می‌بندد و تعهدی که می‌کند کأن لم‌یکن است! این نهایت فروپاشی اخلاق سیاسی است و نشان‌دهنده این است که آن دستگاه دستگاهی است که واقعاً قابل ادامه نیست؛ یعنی آن دستگاه دستگاه متلاشی شده‌ای است که این‌جور چیزها را انسان در آن مشاهده می‌کند. آن‌وقت می‌گویند ما می‌خواهیم به ایرانی‌ها یاد بدهیم، درس بدهیم که بفهمند قوانین ما چیست! خب ما احتیاج

به درس آنها نداریم؛ ما اگر چنانچه به توافقی هم برسیم، بلدیم چه جوری عمل بکنیم که بعد آنها نتوانند جمهوری اسلامی را پشت در نگه دارند. این را مسئولین نظام جمهوری اسلامی بلدند که چه جوری عمل بکنند، احتیاج به درس آنها نیست اما آنها این جوری عمل می‌کنند؛ این واقعاً نشان‌دهنده فروپاشی است.

وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام بکامله است

به‌رحال در همه کارهایی که ما داریم، در همه تلاشهایی که می‌کنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل اقتصادی می‌گیریم، چه در مسائل فرهنگی - که حالا اگر بنده زنده بودم و به اول سال رسیدیم، مطالبی هست برای گفتن که ان‌شاءالله عرض خواهم کرد - ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام بکامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این‌جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم به‌خاطر اینکه مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه، موفقیت ما وابسته به این است که ان‌شاءالله بتوانیم [اسلام کامل را محقق کنیم]. اگر این‌جور شد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد، و نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم. **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ (۲۰)** دیگر صریح‌تر از این و واضح‌تر از این، حرفی وجود ندارد؛ **«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ»** یعنی دین خدا را نصرت کنید؛ **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ (۲۱)** وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ (۲۲) اینها دیگر چیزهای مؤکدی است که وعده‌های الهی است؛ نباید به این وعده‌های الهی بی‌توجه بود؛ **الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُنَّ السُّوءُ؛ (۲۳)** اینکه واقعاً انسان وعده خدا را غیر قابل تحقق بداند، بدترین سوءظن به خدای متعال است که خدای متعال در سوره مبارکه انا فتحنا، آن کسانی را که این‌جور حرکت می‌کنند مورد غضب خود دانسته است. (۲۴)

امیدواریم خداوند متعال به شما و به ما توفیق بدهد که بتوانیم آنچه را وظیفه ما است در این زمینه، انجام بدهیم و برکات الهی را که ناشی از این‌جور حرکت کردن است، ان‌شاءالله شامل حال خودمان، کشورمان، ملتمان قرار بدهیم؛ و امیدواریم خداوند متعال روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند، ارواح طیبه شهدا را ان‌شاءالله شاد کند که آنها این راه را به ما نشان دادند و بر روی ما باز کردند و ما را در این راه به حرکت آوردند.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته

۱) این دیدار به‌مناسبت برگزاری هفدهمین اجلاس رسمی چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری در روزهای نوزدهم و بیستم اسفند سال جاری، برگزار شد. قبل از شروع بیانات معظم‌له، آیت‌الله محمد یزدی (رئیس مجلس خبرگان) گزارشی ارائه کردند. ۲) رئیس مجلس خبرگان با اشاره به اینکه «بروز بودن اعضا» از مهم‌ترین فلسفه‌های اجلاس‌های سالانه این مجلس است، برنامه‌های چهار جلسه این اجلاس را در دو بخش دعوت از شخصیت‌های مطلع از وقایع روز (وزیر امور خارجه و فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و نطق‌های پیش از دستور نمایندگان (در موضوعات: بررسی وضعیت اسلام در اروپا، استاندارد «غذای حلال» در ایران و سایر کشورها، بررسی مسائل اقتصادی و فرهنگی کشور) بیان کرد.

۳) آیت‌الله محمد رضا مهدوی‌کنی (رئیس پیشین مجلس خبرگان)

۴) منهای ۵) سوره حجر، آیه ۹۱؛ «همانا که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]»

۶) سوره نساء، بخشی از آیه ۱۵۰؛ «... و می‌گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم...» (۷) سوره حدید، بخشی از آیه ۲۵؛ «براستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...» (۸) ابتدای ۹) سوره حج، بخشی از آیه ۴۱؛ «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامیدارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند...»

۱۰) همان؛ «... و فرجام همه کارها از آن خدا است.»

۱۱) سوره نحل، بخشی از آیه ۳۶؛ «... [تا بگوید]: خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریبگر] بپرهیزید...» (۱۲) سوره شوری، بخشی از آیه ۱۳؛ «... دین را برپا دارید...»

۱۳) همان؛ «... و در آن تفرقه‌اندازی نکنید. بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرامی‌خوانی، گران می‌آید. خدا هرکه را بخواهد، به سوی خود برمی‌گزیند، و هرکه را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید.»

۱۴) سوره شوری، بخشی از آیه ۱۳؛ «... بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید...» (۱۵) سوره احزاب، آیه ۱؛ «ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر، که خدا همواره دانای حکیم است.»

۱۶) سوره احزاب، آیات ۳ و ۲؛ و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنید آگاه است. و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهبان [تو] است.» (۱۷) عقل، فکر (۱۸) اشاره به سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به آمریکا و سخنان وی در کنگره. (۱۹) بسیار گشوده

۲۰) سوره محمد، بخشی از آیه ۷؛ «اگر خدا را یاری کنید یاری‌تان می‌کند...»

۲۱) همان؛ «... و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.» (۲۲) سوره حج، بخشی از آیه ۴۰؛ «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد...» (۲۳) سوره فتح، بخشی از آیه ۶؛ «به خدا گمان بد برده‌اند...» (۲۴) همان؛ «و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و چه بدسرانجامی است.»